

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

تفصیل پایه فرایند خیر

پایه‌ی خیر، تفصیل است. در کتاب فرآیند خیر، تفصیل را در دوره‌های سنی مختلف بیان کرده، ولی بقیه‌ی مؤلفه‌ها را در دوره‌های سنی مختلف نگفته است، چون تفصیل پایه است. بر اساس این پایه می‌توان بقیه مؤلفه‌ها را در دوره‌های سنی مختلف به دست آورد. مهم این است که بدانید تفصیل در دوره‌های مختلف سنی چگونه است. وقتی تفصیل در یک دوره‌ی سنی معلوم شود، ترجیح، تعیین، گزینش و تحقق از درون تفصیل به دست می‌آید. اگر کسی بخواهد روی موضوع خیر و فرآیند خیر کار کند باید روی موضوع تفصیل کار کند. تفصیل از همه‌ی مؤلفه‌های خیر تفصیلی‌تر است. تفصیل را باید تفصیلی خواند. وقتی تفصیل تفصیل را بدانیم، بقیه‌ی مؤلفه‌ها روی این نصب می‌شوند.

فصل تفصیل کتاب فرآیند خیر، خیلی تفصیل داده شده است. مثلاً یازده نوع تفصیل بیان شده و در تفصیل خیر آنها را تفصیل داده است. وقتی آدم یازده نوع را می‌بیند تمایز زیادی بین آنها نمی‌بیند و این سؤال پیش می‌آید که این تفصیل‌ها با هم چه فرقی دارند؟

در فصل تفصیل کتاب دو نمودار هست^۱ که مربوط به تفصیل و تفصیل در خیر است. این نمودارها را می‌توان به عنوان نقشه مسیر تفصیل استفاده کرد ولی نمودار مربوط به تفصیل در خیر (نمودار صفحه ۱۱۰، شناخت خیر با شیوه‌های جزئی) برای نقشه مسیر تفصیل بهتر و عملیاتی‌تر است. نمودار مربوط به تفصیل (صفحه ۸۹، برخی از شیوه‌های تفصیل) بنیادی‌تر از نمودار مربوط به تفصیل در خیر است. اگر بخواهید از نمودار، کتاب داستان بنویسید یا انواع تفصیل در یک سن را بدست آورید، نمودار مربوط به تفصیل در خیر عملیاتی‌تر است و به خروجی نزدیک‌تر است.

برای پیدا کردن تفصیل در این سطحی که فعلاً ما کار می‌کنیم نباید قسمت تفصیل کتاب فرایند شانس‌ی خیر را بخوانیم. در به دست آوردن مؤلفه‌های خیر در سوره، ما در دو سطح می‌شود کار کرد. در سطح اول، به تفصیل جداسازی می‌گوییم و می‌خواهیم بدانیم برای اینکه در زندگی‌مان توان جداسازی امور مختلف، و معیارهای درستی برای تشخیص گزینه بهتر داشته باشیم سوره چه کمکی به ما می‌کند. به تفصیل: جداسازی، به ترجیح: معیار، به تعیین: مشخص کردن محدوده‌ها، به گزینش: اراده و به تحقق: عمل و حفظ نتایج می‌گوییم و در حد این تعاریف سوره‌ها را کار می‌کنیم. در سطح بعدی می‌شود عمیق‌تر کار کرد که فعلاً کار ما نیست. برای خواندن کتاب فرآیندشناسی خیر، خیلی مهم است سطح آن را مشخص کنیم. برای این کلاس فعلاً در سطح فاتحه کافی است. (ترتیب مطالعه کتابهای مدرسه بسیار مهم است و اگر با یک ترتیب مناسب خوانده نشود نه تنها کمکی نمی‌کند بلکه ممکن است ما را به هم بریزد.)

شاید بتوان گفت مهمترین نکته‌ای که باید در آموزش به آن توجه داشت، این است که افراد در مواجهه با مسائل مختلف به خصوص در مواجهه با قرآن هدف اول و آخرشان هدایت خودشان باشد، این مسئله بسیار مهم و از مصادیق تواصی به حق است. در این صورت جهت‌گیری‌ها، شادی‌ها، ناراحتی‌ها و برنامه‌ریزی‌های انسان متفاوت می‌شود. در آن صورت دیگر از خیلی چیزها ناراحت

^۱ نمودارها در انتها به پیوست است.

نمی‌شود چون به دنبال هدایت خود است. یک مطلب به نقل از آقای اخوت اینکه در آموزش، فرد باید منتظر باشد تا عامل هدایتش به او برسد. انتظار است که آموزش را محقق می‌کند. در این انتظار دیگر خانم "الف" یا آقای "ب" برای او تفاوت ندارد و هر کسی که با او حرف می‌زند او می‌گوید لیلہ القدر من شاید همین باشد که او می‌گوید. وقتی آدم منتظر باشد می‌گوید شاید خدا، این حرف را بر زبان این آدم جاری کرده است. چون دنبال چیزی نیست جز عامل هدایت خودش.

امام صادق (ع) می‌فرمایند که بنده (عبد) نباید برای خودش تدبیری بکند (لایدبر لنفسه). منظور این نیست که شما تدبیر نداشته باشید چون خیلی از روایت‌های دیگر تأکید کرده‌اند که انسان باید تدبیر داشته باشد. من برنامه‌ریزی می‌کنم، چون وظیفه‌ام است. ولی در نظام عالم این‌طور است که ما تلاش برای برنامه‌ریزی می‌کنیم ولی برنامه را خداوند می‌ریزد. برنامه‌ریزی باید عبدگونه باشد و حالت تضرع داشته باشد. برنامه‌ریزی باید به این صورت باشد که هر کاری که می‌توانیم انجام دهیم، ولی بدانیم با کار ما نیست که خروجی به دست می‌آید و نتیجه حاصل می‌شود بلکه خداوند است که انجام می‌دهد. آدم باید خودش را رها کند. چه می‌داند که خدا از کجا و چه چیزی می‌خواهد به او بدهد؟ رمز آن هم تضرع است. یعنی باید حالت آدم نسبت به خدا اینگونه باشد که "خدایا ببین من چقدر بیچاره‌ام". (لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین باید باشد) اعتراض هم نباید داشت.

تفصیل خوب است و ما باید در زندگی تفصیل بدهیم و گاهی آن قدر تفصیل می‌دهیم ولیکن چیزی که برایمان پیش می‌آید در راستای تفصیلمان نیست. باید تفصیل داد ولی نتیجه را به خدا سپرد. (خداوند به بیچارگی آدم نگاه می‌کند نه توانمندی او). در کتاب صفت، سه صفت پایه داریم که یکی از آنها ضعف است. ضعف صفتی است که بروز آن توانمندی‌های انسان است. توانمندی‌های انسان روی ضعف سوار هستند. اگر این‌طور فکر می‌کنیم که زحمت می‌کشیم تفصیل می‌دهیم بعد یک سری گزینه‌ها حذف می‌شوند و زحمت ما هدر می‌رود اشتباه است چون نمی‌دانیم که از آن طرف چه دست آوردهایی دارد.

هرکس باید در سطح خودش و اندازه‌ای که می‌فهمد تفصیل دهد (نباید در تفصیل زیاده‌روی کرد). وقتی کسی در مرحله‌ای هست، هر چقدر هم تند پیش برود به این عجله نمی‌گویند، بلکه سرعت می‌گویند. عجله به معنای آن است که قبل از اینکه یک مرحله را طی کنیم سراغ یک مرحله‌ی دیگر برویم و قبل از اینکه توانایی این نوع تفصیل را داشته باشیم بخواهیم این‌طور تفصیلی زندگی کنیم. ولی یک اتفاقی که می‌افتد این است که من یک جا یک تلاش کردم تمام آن به باد می‌رود. میزان تلاش حتماً نتیجه دارد و مؤثر است ولی لزومی ندارد متوجه شویم کجا مؤثر بوده است. بعداً انسان ممکن است رشد کند و متوجه هم بشود.

بنابراین عرض این بود که در آموزش مهم‌ترین مسأله انتظار است و همین‌طور این که هدف انسان باید هدایت خودش باشد و از هر چیزی به دنبال هدایت به مقصد باشد. هدف زندگی توجه تام و دائمی به خداست اگر اتفاقی باعث توجه بیشتر من به خدا شد اتفاق خوبی است حتی اگر مصیبت باشد.

سوره مبارکه حمد

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۳) مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ (۴) إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۵) اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (۶) صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ (۷)

- هدف زندگی رشد رشد علمی، معنوی، و اخلاقی نیست، بلکه هدف زندگی فقط توجه به خداست. هدف زندگی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» است و هرچه مرا به این آیه نزدیک کند به هدف زندگی نزدیک کرده است.
- بروز توجه تام و تمام به خداوند «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» است. (بروزش جمع گرایی است).
- (آیات ۱۷ تا ۲۰ سوره فجر «كَلَّا بَلْ لَّا تُكْرَمُونَ الْبَيْتِيمَ (۱۷) وَلَا تَحَاضُونَ عَلَيَّ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۱۸) وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (۱۹) وَتَحِبُّونَ الْأَمَْالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)» بروز توجه به دیگران از جهت نیازمندیهایشان را بیان می کند)
- بروز توجه تام به خداوند، دیگر خواهی است.
- مشکلات زندگی برای تضرع و تضرع برای توجه بیشتر به خداوند است. (آیات ۴۲ و ۴۳ سوره مبارکه انعام)
- اگر انسان در برابر مشکلات زندگی به خداوند تضرع نکند دچار قساوت قلب می شود.
- تضرع، اعتراض نیست. گلایه از خود به خداست. ابراز بیچارگی خود به خداست.
- غرض خداوند این است که به او توجه کنیم، برای خدا تنگ گرفتن یا اعطای اکرام و انعام تفاوتی ندارد. مثلاً برای بعضی به روش اکرام و انعام و برای بعضی با تنگ گرفتن روزی این توجه حاصل می شود.
- نهایت هستی توجه به خداوند است و ذکر باعث می شود این توجه فعال بماند. البته ذکر هم دست خداوند است.
- خداوند باید ما را گمراه ببیند تا هدایت کند.
- منتهی اگر ما فضلی داشته باشیم نباید کتمان کنیم. زیرا فضل های ما نیازهای جامعه هستند و ما باید به نیازمندیهای برسانیم. توان هایی که ما داریم برای خداوند است منتها ما بستر بروز این توان ها هستیم.
-
- بروز همه ی زیبایی ها و ستایش همه ی زیبایی ها مخصوص خداوندی است که همه را به سوی کمال سوق می دهد و مالک و صاحب اختیار همه چیز است.
- رحمت عامی وجود دارد که می توان با بهرمنندی از هدایت به درجات خاص تر آن رحمت نائل شد.
- خداوند مالک است یعنی همه چیز به صورت مطلق، متعلق به آن است. بروز مالک بودن خداوند در این سوره «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است. یعنی مالکیت خداوند در روز دین بروز پیدا می کند.
- به روز قیامت روز دین گفته می شود زیرا دین یعنی برنامه ای که در اثر پذیرش آن برنامه جزا تعیین می شود.
- «یوم الدین» روزی است که جاری است، یعنی الان هم ما در آن روز هستیم و در بستر دین هستیم. پذیرش نسبت به دین میزان جزا را تعیین می کند.

- آدم باید تمرین کند که فقط از خداوند بخواهد. «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» موضوع خیلی خوبی برای تفصیل، ترجیح، تعیین، گزینش و تحقق است.
- مراجعه به دیگران برای رفع نیاز مثل رفتن به دنبال دکتر خوب و تلاش برای نوبت گرفتن از او یا اصرار برای پرسیدن سوال از عالم یا ... ، نقش این کارها ابراز نیاز به خدا و همان اظهار عجز و تضرع و دعا است. زیرا ما فکر نمی‌کنیم دکتر هست که مشکل ما را حل کند، چون خداوند این اسباب نیاز را فراهم کرده است به آنها مراجعه می‌کنیم. اگر آدم اینگونه فکر کند هرگز دچار بیچارگی به معنای منفی نمی‌شود. بیچارگی در برابر خداوند است که با شور و نشاط همراه است و باعث تکاپو و حرکت می‌شود. ولی بیچارگی در امور دنیایی باعث یاس و ناامیدی می‌شود. فرق بین آدم بهشتی و جهنمی در تغییر همین رویکردها است. وقتی توجه ما به سمت خدا برگردد بهشتی می‌شویم. («إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» آیه ۷۹ سوره انعام)
- حضرت علامه طباطبایی می‌فرماید بالاترین درجه انسان لحظه‌ایست که متوجه خدا می‌شود.
- حضرت علی(ع) می‌فرماید برایی هیچ کاری نبود که فرصت دو رکعت نماز برای آن داشتم و مشکلم حل نشد. (قریب به این مضمون)
- اگر از خدا کمک بخواهیم تلاشمان کم نمی‌شود، بلکه تلاش، دقت و تحقیق بیشتر هم می‌شود. وقتی ما هرکاری که می‌توانیم را انجام دهیم انگار به خدا می‌گوییم "خدا ببین چقدر ازت کمک می‌خواهم". ولی این کارها به این معنا نیست که حتماً از جهت تلاش‌هایی که کردیم به نتیجه برسیم. اگر خداوند بخواهد می‌شود و اگر نخواهد نمی‌شود. و گاهی از جایی که فکرش را نمی‌کنیم کارها به نتیجه می‌رسند و روزی آن «من حیث لا یحتسب» می‌رسد.
- هدف در آموزش هدایت خود است ولی به صورت جمعی (اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ). باید بگوییم خدایا ما را هدایت کن. دیگران برایش موضوعیت دارد.
- هدف در آموزش هدایت من است ولی با جمع. نمی‌گوییم خدایا اینها را هدایت کن. بلکه می‌گوییم ما را هدایت کن.
- «صراط» یعنی جهت درست، از ریشه صَرَطٌ است، یعنی بلعیدن. یعنی راهی که اگر داخل آن شویم دیگر در نمی‌آییم. در قرآن «صراط» واحد است و جمع ندارد.
- «مستقیم» قید ایضایی است (یعنی توضیح می‌دهد)، وگرنه ما صراط غیر مستقیم نداریم.
- «مستقیم» یعنی ایجاد کننده‌ی استقامت است و قوام می‌دهد.
- «صراط مستقیم» صراطی است که قوام و قیام ایجاد می‌کند. اگر جهت انسان در این سمت باشد، قیام می‌کند.
- «صراط» با الذین (آدم هایش) معرفی شده است. به این افراد انعام شده است و اصلاً «مغضوب علیهم» نیستند.
- خداوند به کسی غضب نمی‌کند، وقتی کسی خود را از رحمت خدا محروم کند، غضب می‌گوییم.
- «انعمت علیهم» کسانی هستند که هیچ رحمتی نیست که آنها به صورت نعمت دریافت نکرده باشند و گمراه نیستند، ولی کاملاً خود را گمراه می‌دانند. کسانی می‌توانند گمراه نباشند که خداوند آنها را گمراه بیابد تا هدایتشان کند. (یعنی خود را گمراه وجدان کردن و گمراه معرفی کردن، نه اینکه برویم گمراهی کنیم).

جمع‌بندی مولفه های تفصیل، ترجیح، تعیین بر اساس سوره حمد:

خروجی این نکته‌ها باید این باشد که از اینها ایده برای داستان، طرح درس و ... به ذهنمان برسد. کلاس باید یک مدل برای این مؤلفه‌ها در بیاورد و افراد خودشان این مدل‌ها را تبدیل به موضوعات گوناگون و خروجی کنند.

تفصیل:

- یک مدل تفصیل، تفصیل زیبایی شناختی است، چیزهایی که زیباست.
- مراتب زیبایی: هر چه که وجود دارد زیباست و ستودنی. چون الحمد ل الله
- رشد و رفتن از نقص به کمال زیباست.
- تغییر مراتب وجودی زیباست. همین که گیاه تبدیل به حیوان و حیوان تبدیل به انسان می‌شود. رفتن انسان به مراتب بالاتر.
- دین زیباترین چیز است. دین عمل محدود انسان را تبدیل به پاداش نامحدود می‌کند. آنچه که دینی تر است زیباست.
- یک تفصیل دیگر در ایاک نعبد و ایاک نستعین است. پرستیدن داریم و استعانت.
- دیدن حیثیت‌های مختلف: یک عبودیت داریم، یک استعانت. اینها دو وجه‌اند. (چه چیزهایی در زندگی من عبودیت است و چه چیزهایی استعانت) اینها یک نحو تفصیل است.
- تفصیل‌های مربوط به جهت و صراه و قیام. (مستقیم)
- تفصیل‌های مربوط به نعمت خدا و نداشتن نعمت، آدم‌هایی که مغضوب هستند و آنهایی که نیستند. آنهایی که ضال هستند و آنهایی که نیستند.
- تفصیل مربوط به هدایت چیزهایی که هدایت آور است.

ترجیح:

- یک معیارم برای ترجیح باید حمد باشد.
- آن چیزی که خدا در آن است (ایاک)
- آن چیزی که جمع و توجه به جمع در آن است.
- ترجیح بر اساس رحمت، و درجات بالاتر رحمت.
- ترجیح بر اساس احکام دین.
- ترجیح بر اساس فقط خدا. در استعانت ترجیح با خداست. در عبودیت ترجیح با خداست.
- در هرکاری هدایت ترجیح دارد.
- ترجیح صراه مستقیم
- صاحبان نعمت الهی
- ترجیح با انعمت علیهم است. (صاحبان نعمت الهی)

تعیین:

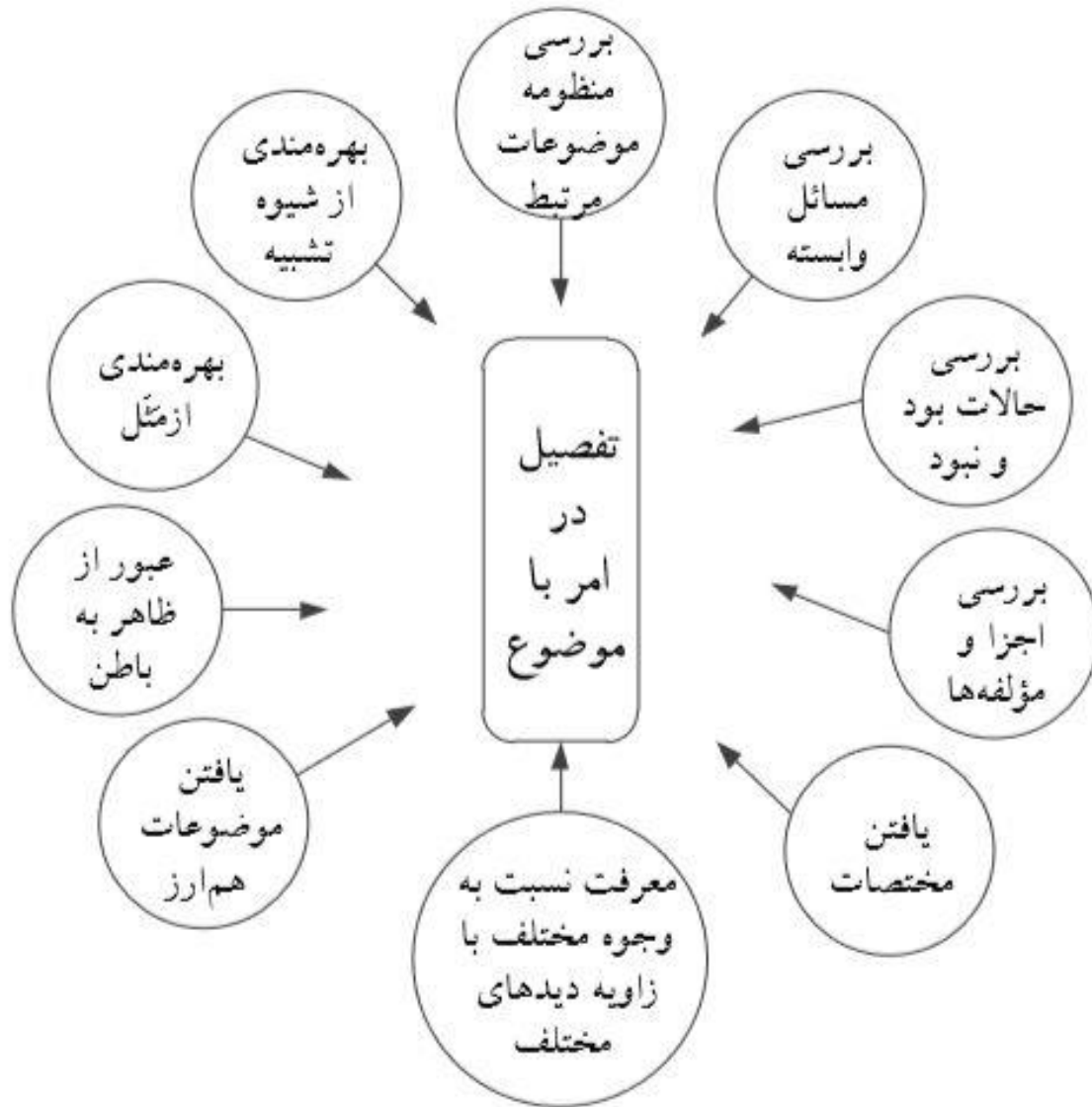
- محدوده ستایش. یعنی خدا هست، خدا در عالم ربوبیت دارد و هرآنچه که ربوبیتش از آن خداست زیباست و شایسته حمد است. محدوده های حمد در سوره تعیین شده است.
- تعیین، تفصیل یک چیزی است که ترجیح داده شده نسبت به تفصیل های قبلی. تفصیل ← ← ترجیح ← ← تفصیل آن چیز ترجیح داده شده
- کاربردی ترین کلمه تعیین در سوره، واژه دین است. آن که دین می گوید چهارچوب می دهد. دین عینیت می دهد، تعیین کننده است.
- صراحت نیز واژه تعیین است. دقیقاً آن چیزی که رو به خدا باشد.

تکلیف ما دو سطح دارد. اولین بخش: سوره در زندگی مان جاری شود و با سوره خیرگزین شوم و قدرت تفصیل، ترجیح و من بالا بروم. دومین بخش: باید آمدن سوره در زندگی ام را تبدیل به خروجی قابل ارائه به دیگران کنم نه اینکه سوره را تبدیل به خروجی قابل ارائه به دیگران کنم. اگر بخواهیم بدون انجام دادن بخش اول وارد بخش دوم شویم، عجله کردیم.

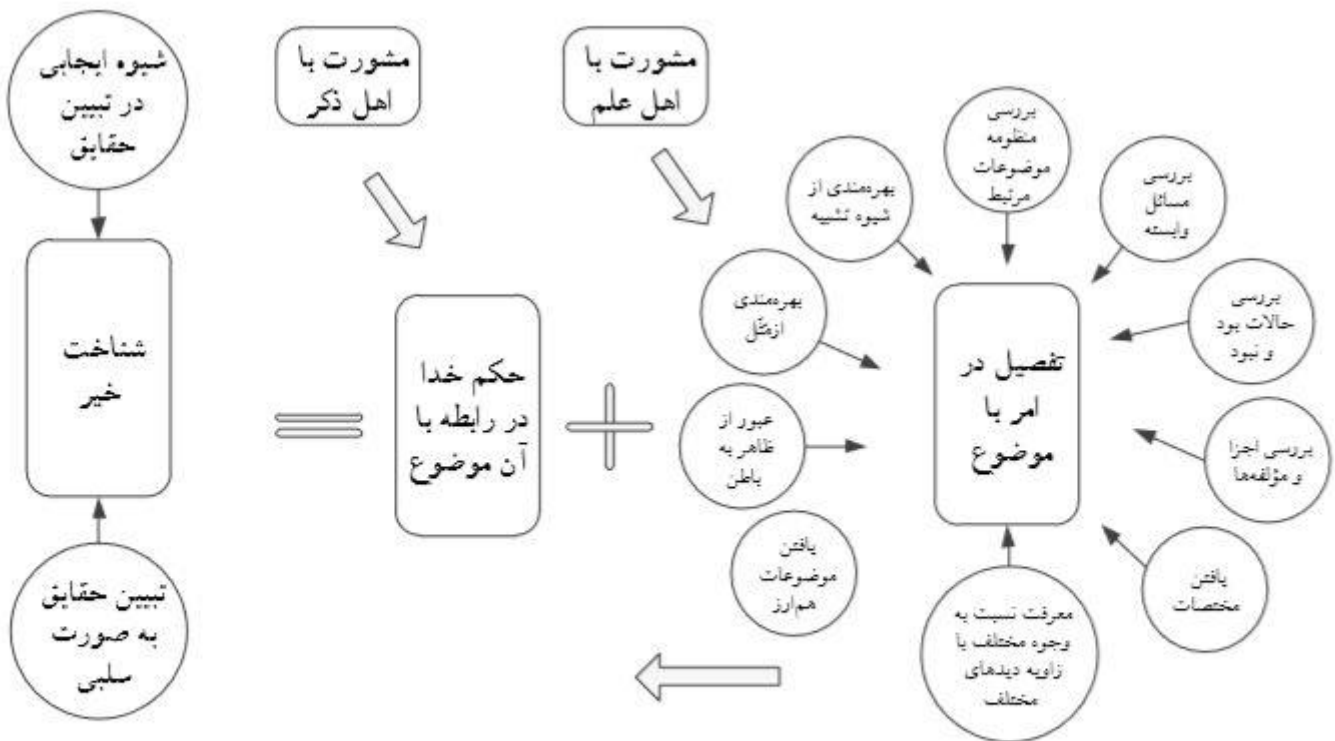
- ✓ تکلیف: کار روی گزینش و تحقق در سوره حمد. سوره حمد چگونه به من در گزینش و تحقق در خیرگزینی کمک می کند.

و من الله توفیق

نمودارها:



نمودار ۱-۱. برخی از شیوه‌های تفصیل



نمودار ۱-۴. تفصیل خیر با شیوه‌های کلی